

*** آبادانی روستاهای ویران و مخروبه کشورمان و سیراب کردن زمینهای تشنه کشاورزان رنجدیده مان همتی جهادی می خواهد تا در اقصی نقاط محروم این مرز و بوم لاله های استقلال و خود کفایی را جرأت شکفتن دهد.**

*** بعد از انقلاب اسلامی ایران کشاورزان روستاهای حومه گرمسار که از ظلم ایادی رژیم ستم شاهی به روستاها و شهرهای دیگر مهاجرت کرده بودند با تلاش پیگیر جهاد سازندگی کلیه زمینهای مزروعی این منطقه توسط صاحبان اولیه شان به زیر کشت رفته است.**

*** یکی از کشاورزان: * از زمینی که من در سال پنجاه خروار گندم بدست می آوردم سالی سه خروار گندم به عنوان سود سهام به من می دادند. آخر سال هم آمدند و گفتند که شما سیصد تومان از سه در صد سود سهام بدهکار هستید.**

در پی گزارشهایی که از مناطق محروم و ستمدیده کشور اسلامیمان داشتیم، جهت آشنایی بیشتر خوانندگان با مناطق محروم کشور، در معیت دو برادر دیگر به سزده یکی از روستاهای اطراف گرمسار که فاصله چندانی با تهران ندارد، رفتیم. روستای سزده یکی از چندین روستای ویران و مخروبه حومه گرمسار می باشد. حومه گرمسار کلاً ۲۲۹ روستا دارد که در ۹۱ روستای آن بیش از صد خانوار زندگی میکنند و با سی و دو هزار (۲۲/۰۰۰) هکتار زمینهای زیر کشت مقام دوم را از نظر کشاورزی در استان سمنان داراست. محصولات عمده منطقه (گندم، جو، پنبه، خربزه، هندوانه، خیار و انار) می باشد سزده یکی از چندین روستای مخروبه ستم شاهی است که در ۱۰ کیلومتری گرمسار قرار دارد. دیوارهای فرو ریخته و خانه های خالی از سکنه این روستا که زمانی حدود نود و سه (۹۳) خانوار را در آغوش خود جای

رفته بیشتر آشنا شویم، پای صحبت سه تن از کشاورزان اهل روستاهای سزده، الله ورودی آباد و کهک می نشینیم. ابتدا کشاورزان منطقه از وضع کشاورزی در قبل از انقلاب صحبت کردند. برادر فرج ... بازوکی پنجاه و یک ساله اهل روستای سزده در این باره چنین گفت: الان در ده ما کسی نیست، ولی قبلاً در حدود ۹۳ خانوار در این ده زندگی میکردند. زمانیکه شرکت زراعی آمد، همه این خانواده ها آواره شدند و به علت بیکاری به شهرها و روستاهای بزرگتر رفتند و روستای سزده را ترک کردند، چون زندگی دیگر برایشان امکان پذیر نبود. البته قبلاً (قبل از آمدن شرکتهای سهامی زراعی) خوب بود، چون هم دامداری داشتیم و هم کشاورزی ولی وقتی شرکت زراعی آمد همه اینها را از ما گرفت و ما نتوانستیم به کارمان ادامه بدهیم. درازای گرفتن زمین به ما

سزده

ویرانه های از تمدن بزرگ!!

و عده هایی دادند، که زمینهای شما را می گیریم و تولیدات شما را بالا می بریم و وضع زندگی شما را خوب میکنیم (به اصطلاح باغ سبزه ما نشان میدادند) ولی وقتی وارد عمل شدند، دیدیم که از آن وعده و عیدها هیچ خبری نیست. اگر از صبح تا غروب کار می کردیم بیست تومان به ما مزد می دادند، البته این مساله برای همیشه نبود، هر وقت کارشان زیاد بود در یکماه ششصد تومان می دادند و وقتی که کار نبود به ما مزد سی دادند وقتی دیدیم شرکت زراعی چیزی نمیدهد. چون من ۹ هکتار زمین داشتم به شرکت زراعی دادم، سه خروار گندم آخر سال بعنوان سود سهام (سه در صد) دادند، آمدند گفتند شما سیصد تومان هم از سه در صد (۳٪) بدهکار هستید، در صورتیکه اگر این زمین در دست خودم بود پنجاه خروار گندم از آن بدست می آوردم، از این جهت بود که مجبور شدیم به سوی شهرها بیاییم و زیر دست بناها و در جاهای گوناگون کار کنیم تا معاش خود و خانواده ام را که ده نفر هستند تامین کنم.

سپس برادر امیر کاشانی از اهالی روستاهای کهک که حدود بیست و یکسال است که کشاورزی میکند، چنین گفت:

داده بود حکایت از قصه ای دردناک دارد. خشت های فرسوده و کوجه های خلوت این روستا بروست ظلمی که بر اهالی سزده و سزده ها رفته گواهی می دهند. در دیدار با اهالی رانده شده این روستا که بعضی از آنها در حاشیه گرمسار زندگی می کردند، وقتی از علت ویرانیها جويا شدیم، دریافتیم که شرکتهای سهامی زراعی رژیم ستم شاهی با شعار فریبنده بالا بردن سطح تولید زراعی، با فشار و تهدید زمینهای مزروعی کشاورزان را تصرف کرده و به زیر کشت خشخاش برده اند. و عده ای از کشاورزان جوان را با مزد چیزی در زمینهای خود اجیر کرده بودند.

کشاورزان منطقه بعد از تصرف زمینهایشان توسط شرکت سهامی زراعی بخاطر عدم وجود علوفه و منبع درآمدی برای تامین مخارج زندگی خود مجبور به فروش دامهای خود شده و به شهرهای مختلف مهاجرت کرده اند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران با تلاش پیگیر جهاد سازندگی گرمسار زمینهای مزروعی توسط صاحبان اولیه خود به زیر کشت رفته و عده زیادی از روستائیان نیز به روستاهای خود برگشته اند برای اینکه با ظلمی که بر روستائیان محروم این منطقه

سابقا ارباب و رعیتی بود و ما برای ارباب کشاورزی می کردیم و هیچ چیز به ما نمی دادند، به این ترتیب که یک مقدار گندم برای خوردن به ما می داد و بقیه را خودش می برد. بعد که در سال ۱۳۴۰ اصلاحات ارضی شد، مالکها می آمدند و می گفتند، یا شما باید زمین را اجاره کنید یا اینکه با ما توافق کنید، ما می گفتیم توافق نمی کنیم، ما را به گروسلار آوردند و پنج نفر از ما را زندانی کردند و بعد از ما تعهد گرفتند که به مأموران دولت توهین نکنیم، ما هم دیدیم نمی توانیم با آنها کنار بیاییم، رفتم جای دیگر زمین گرفتیم و به کشاورزی پرداختیم.

ولی بعد شرکت زراعی آمد و زمین را گرفت، گفتند اگر می خواهید روی زمین روز مزد با روزی پانزده تومان کار کنید، ما یکماه کار کردیم دیدیم که پانزده تومان کفاف زندگیمان را نمی دهد، جلسه ای تشکیل داده بودند، من در آن جلسه گفتم که آقا پانزده

کشاورزی هر چه داشتیم و نداشتیم متعلق به مالک بود، اگر زیادتر از مقداری که خودشان می خواستند بدست می آمد به ما می دادند. زمانیکه اصلاحات ارضی کنایی شد، زمینی گرفتیم و حدود ۲ الی ۳ سال در دست ما ماند تا اینکه شرکت سهامی زراعی آمد و زمینها را از دست ما گرفت، به کارگری حاضر شدیم، گفتند ما احتیاج به کارگر نداریم اگر شما روزی پانزده تومان می توانید کار کنید اینجا بیایید، و اگر نمی توانید خودتان می دانید، ما مال و گوسفند و زندگیمان را گذاشتیم و به ورامین رفتیم و در آنجا در یک کارخانه مشغول کار شدم چون با هفت سر عائله پانزده تومان کفاف نمی داد، هشت ماهی در آنجا بودم ولی نمی توانستم در آنجا کار کنم، به روستای خودمان آمدم و مجدداً به کشاورزی پرداختم، پنج ماه دیگر به شرکت رفتم و بعد از برگشتن دیدم که زمین را به دیگران اجاره می دهند، زمین خودم را به اجاره گرفتم تا اینکه سال بعد

جایی هم تریاک بدست نمی آمد غلظش را هم به گوسفندان و چهارپایان ما نمی دادند، با تراکتور زمین را شخم می زدند و همه را از بین می بردند. می گفتیم بول آنرا به شما می دهیم، جو و غلظها را به ما بفروشید تا گاو و گوسفندانمان از گرسنگی تلف نشوند. می گفتند:

جو را برای کارخانه آجوسازی می خواهیم و نمی توانیم خرده فروشی کنیم، کلی همه را رد می کنیم. مرا از ده بخاطر اینکه می گفتم اینجا، جای کشت تریاک نیست بیرون کردند، آنها در بهار می آمدند و از تریاک فیلمبرداری می کردند، ما به جو و گندم و ... توجهی نداشتند و می گفتند از خارج وارد می کنیم تا شما حاضر و آماده بخورید، امریکا گندم دارد، همه را به ما می دهد و یا فلان جا برنج دارد، برنج آنها برای ماست هرچه می توانید تریاک بکارید چون یک مثقال تریاک برای ما بیشتر از ده هزار هکتار گندم ارزشش دارد. دامهایی خودمان را بخاطر نداشتن علف فروختیم و به شهر آمدیم، زیرا از چرانیدن دامها در زمینهای اطراف جلوگیری می کردند.

اگر آن وضع تا بحال ادامه پیدا می کرد بچه های ما همه تریاکی شده بودند حتی چیزی نمانده بود که خود ما تریاکی بشویم، خداوند به عمر امام امت بیافزاید که ما را از این بدبختی نجات داد. در جواب سؤال ما مبنی بر تأثیرات انقلاب اسلامی در روستاها، یکی از کشاورزان چنین توضیح داد:

بعد از انقلاب وضع کشاورزی تمام روستاها خوب شده است، چون الان هر چه بکاریم در اختیار خود ماست و درآمد ما نیز خوب است. اگر تراکتور، کود و بذر بخواهیم جهاد در اختیار ما می گذارد و الان پنبه، جو، گندم و هر محصول دیگری که در اینجا بعمل می آید کشت می کنیم. ما با دلگرمی تمام کار می کنیم.

جهاد آب لوله کشی آورده، الان حمام داریم، انقلاب خیلی تأثیر داشته همینکه آزاد هستیم و خودمان کار می کنیم و خودمان می خوریم و اینکه تولید بهتر و بیشتری داریم از بهترین ثمرات انقلاب است. وقتیکه زمین و آب هست و موتور در اختیارمان می باشد چیز دیگری لازم نداریم و هر محصولی که ضروری باشد و درآمد بیشتری داشته باشد آنرا می کاریم، خلاصه آزاد هستیم روی زمینمان برویم و کار کنیم و زحمت می کشیم و بهره اش متعلق به خودمان هست به همین خاطر الان بهتر می توانیم کشت کنیم و درآمد داشته باشیم و اگر احتیاجی داشته باشیم، دولت در اختیار ما می گذارد و لازم به تذکر است که عده ای از اهالی روستاهای اطراف گرمسار به علت ویرانی خانه هایشان هنوز نتوانسته اند به روستاهای خود برگردند.

جهاد سازندگی گرمسار با وجود مشکلاتی از قبیل (کمی وسائل و دستگاههای سنگین و کمبود و بقیه در صفحه ۷۷



انقلاب شد و زمینهای خودمان را بدست آوردیم و مانند گذشته به کشاورزی می پردازیم.

عملکرد شرکت سهامی زراعی:

برای اینکه با عملکرد شرکت سهامی زراعی بهتر آشنا شویم، توضیحات یکی از برادران کشاورز را در ذیل می آوریم:

ما قبلاً این محصولات (جو، گندم، پنبه، خربزه، ماش و لوبیا) را کشت می کردیم و در آمد خوبی هم داشتیم ولی آنها (شرکت سهامی زراعی) آمدند محصولات ما را از بین بردند و اصلاً به حرف ما توجه نداشتند می گفتند تنها باید تریاک بکارید تمام زمینها را زیر کشت تریاک بردند. هر جا که تریاک بدست می آمد، کشت می کردند و اگر در

تومان که حقوق نمی شود، او گفت: تو اخلال گر هستی باید بازداشت شوی، تو را باید تحویل سازمان امنیت بدهیم. گفتیم: خوب بدهید. خلاصه بعد از یکماه کار دیدیم که امورات مان نمی گذرد، به این ده (کهنک) آمدم زمین خریدم و خانه ساختم. زمانیکه انقلاب پیروز شد من در اینجا بودم. بعد از انقلاب به ده خودمان رفتم، ولی هنوز مالکها روی زمینهای ما افتاده اند و هر کسی که می خواهد به سر زمینهای خودش بیاید مالکها دوباره روی زمینها می آیند، الان آن ده بیست و پنج خانوار دارد و جهاد آنرا گرفته و در اختیار ما گذاشته است.

برادر غضنفر شیخی پنجاه و پنج ساله اهل روستای ا...ورده آباد از گذشته خود چنین می گوید:

قبل از انقلاب ارباب و رعیتی بود و در مورد

ذکری از حماسه‌ای...

لحظه افزوده میشد. بچه‌ها سرسختانه مقاومت میکردند هرچه از نیروهای آنها کشته میشد باز هم پیش میامدند گویا فهمیده بودند که ماعدادمان خیلی کم است، بنابراین سعی در تصرف قله را داشتند.

ساعت حدود ۳ بامداد بود که عده‌ای از مزدوران بعثی خود را به نزدیکی سنگرها رساندند. یکی از برادران که فرمانده دسته ما و بی سیم چی بود با آر پی، جی به وسط آنها شلیک کرد بطوری که بهوا پرتاب شدند، هنوز آر پی، جی دومی را شلیک نکرده بودند که از پشت بروی زمین افتاد، تیر دشمن به گردن او اصابت کرده بود و او هم شهادت رسید. خون سرخ او سنگفرش کوه را رنگین کرد، او هم یکی از سربازان با وفای امام زمان (عج) بود که از ابتدای جنگ با شهادت در جبهه‌ها جنگیده بود و بارها حماسه آفریده بود، شهادت او ضربه عجیبی در روحیه بچه‌ها گذاشت چون او تنها یک فرمانده معمولی نبود. انسانی مهربان، شجاع و با ایمان بود که پشت دشمن را بلرزه میآورد، مرگ او باور کردنی نبود و ما جرأت نمی کردیم شهادتش را به بچه‌ها اطلاع بدهیم اما هرچه بود بی خیال هم شهیدی بگراز کاروان شهیدان راه حق بود که به دیدار دای خودش شتافت.

دشمن هر لحظه حلقه محاصره را تنگتر میکرد. دای همه آنها کاملاً بگوش میرسید و نشانگر این بود که تعدادشان خیلی زیاد است، ماهمه شهادتین را گفتیم و آماده برای شهادت به مقابله پرداختیم.

ساعت حدود ۶ بامداد روز ۲۶ آذرماه ۷۰ن دیگر از برادران شهید و ۲ تن نیز مجروح شده بودند، مهمات ما رو به تمام شدن بود همیشه قبل از روشن شدن هوا بعثی‌ها باه فرار میگذاشتند اما اینبار همچنان قصد نفوذ داشتند، و حالا دیگر کاملاً آنها را میدیدیم، فاصله ما حدود ۲۰ متر یا کمتر بود، در این حال دو نفر از عراقیها از تیررس بچه‌ها گذشته و به بالای صخره آمدند. اشک تاثیر جسامان را بر کرد، نمیتوانستم سقوط قله را بپذیرم در حالی که شکست را قطعی میدانستم نگاهان آن معجزه بزرگ بوفوع بیوست، برای چند لحظه تیراندازی قطع شد و من تکاوران عراقی را دیدم که به عقب برگشتند و یا به فرار گذاشتند، همه بچه‌ها یکصد فریاد الله و اکبر سر دادند، با طنین صدای الله و اکبر، دو نفر بعثی که بالای صخره آمده بودند رو به پائین فرار کردند که هدف گلوله فرار گرفتند و در حالی که میرفت قله سقوط کند و همگی برادران به شهادت برسند خدا نیروی غیبی خود را به یاریمان فرستاد. بعد از آن حادثه ما سه شب دیگر در شیاکوه ماندیم، و سپس ما را به پشت جبهه منتقل کردند و ما خوشحال از اینکه

سنرد ویرانه‌ای از تمدن...

بوده عمرانی) در منطقه به یاری خدا و کوشش بی‌ریغ جهادگران فعالیت‌های چشمگیری داشته است. یکی از مشکلات عمده کشاورزی در این منطقه کمبود آب است که برادران جهادگر برای رفع این مشکل اقدام به حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق در کنار زمینهای کشاورزی کرده‌اند و همچنین قندتهای مخروبه‌ای که غیر قابل استفاده بوده‌اند لایوبی شده که قسمتی از آب مورد احتیاج کشاورزان منطقه از این طریق تامین می شود. از اقدامات دیگر جهاد در این منطقه احداث راههای روستایی است که آنها را به شهر مرتبط می کند. احداث این راههای ارتباطی با توجه به کوهستانی بودن منطقه و کمبود وسایل لازم اثر بسزایی در تولیدات کشاورزی منطقه گذاشته است و همچنین مشکل رفت و آمد روستائیان به شهر را تا حدود زیادی حل کرده است. یکی دیگر از مشکلاتی که اثر بسزایی در پائین نگه داشتن تولیدات کشاورزی منطقه داشته و دارد، مجاورت با مناطق کویری است که بالا آمدن آب شور مناطق کویری باعث نابودی محصولات کشاورزی می شود. برای مهار کردن آبهای شور باید اطراف زمینهای زیر کشت

زهکشی شود. اما متأسفانه به خاطر نداشتن دستگاههای سنگین (از قبیل جیل میکائیک) جهاد موفقیت چندانی در این زمینه نداشته است. با وجود مشکلات فراوان، جهاد گرمسار برای بالا بردن سطح زیر کشت و همچنین گسترش دامداری فعالیت چشمگیری داشته است که حکایت از زحمات طاقت فرسای برادران جهادگر در این منطقه از کشور اسلامیمان دارد. آری آبادانی روستاهای ویران و مخروبه کشورمان و سیراب کردن زمینهای تشنه کشاورزان رنج دیده‌مان همی جهادی می خواهد تا در اقصی نقاط محروم این مرز و بوم لاله های استقلال و خودکفایی را حرات تکفین دهد. برای آشنایی بیشتر گوشه‌ای از فعالیت‌های عمرانی، رفاهی جهاد سازندگی گرمسار را در ذیل یادآور می شویم تا انشاء... تلاش برادران اینارگر جهاد سازندگی شاهد جایگزینی عمران و آبادی به جای مخروبه های بیادگار مانده از رژیم ستم شاهی باشیم.

آمار فعالیت‌های عمرانی، رفاهی جهاد سازندگی گرمسار از ابتدای تأسیس تا ۶۱/۱۰/۸۱

شرح فعالیت	تعداد یا مقدار	واحد
۱- چاه عمیق	۴۷	حلقه
۲- چاه کشاورزی	۴	حلقه
۳- سد بند	۱	عدد
۴- سیل بند	۹۰	کیلومتر
۵- نهرسازی	۱۱۵۰	کیلومتر
۶- زهکشی	۷۱	کیلومتر
۷- راه روستایی ماشین رو	۵۰	کیلومتر
۸- جاده کوهستانی	۱۳۳	کیلومتر
۹- جاده شوسه روستایی (در مناطق کویری)	۵۵	کیلومتر
۱۰- شن ریزی	۳۰	روستا
۱۱- پل احداثی و تعمیری	۱۰۶	واحد
۱۲- سیم کشی هوایی (برق)	۷۲۰۰	متر
۱۳- سیم کشی فشار قوی	۷۵۰	متر
۱۴- لوله کشی آب با نصب چهار تانکر	۹۵۷۰	متر
۱۵- حمام	۲۲	واحد
۱۶- غسلخانه	۳	واحد

نودمان برگشتیم اما دیگر بدون یاران شهر هم آن صفارا نداشت و جای خالی عزیزانی که خوششان را نثار کردند تا اسلام زنده بماند بوضوح دیده میشد، خاطرات سنگر و دعاهای توسل مارا دوباره به جبهه میخواند و چنین بود که پس از مدت کوتاهی مجددا راهی جبهه شدیم تا شاید در این دانشگاه ما هم به اخذ مدرک شهادت نایل شویم... والسلام.

مواد بدست آمده را حفظ کرده بودیم منطقه را ترک کردیم گرچه این خوشحالی دیری نپایید و شیاکوه مجدداً به تصرف عراقیها در آمد، اما آنچه را که هرگز فراموش نخواهم کرد، قدرت کوبنده الله و اکبر و امدادهای غیبی است که در طول جنگ فراوان به یاری رزمندگان اسلام آمده است. سرانجام در روز یکم دیماه سال ۶۰ ما به شهر